



## جایگاه حق بر سلامت روانی کودک در آموزه‌های فقه اسلامی

جمال بیگی

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

(نویسنده مسئول)

[jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir](mailto:jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)

سامان اسماعیل زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

[samanesmailzadeh9@gmail.com](mailto:samanesmailzadeh9@gmail.com)

### چکیده

**زمینه و هدف:** حق بر سلامت از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق انسان‌هاست و هر انسانی مستحق برخورداری از بالاترین حد سلامتی است. دین و آموزه‌های فقهی نیز به عنوان سرمنشأ هدایت بشر، تمام ابعاد زیستی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد که مهمترین آن، بُعد سلامت جسمانی و روانی انسان‌هاست. لذا مطالعه حاضر در جهت بررسی سلامت روانی کودکان بر مبنای توصیه‌ها و آموزه‌های فقه اسلامی انجام یافته است.

**روش تحقیق:** این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از جمله مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و جستجو در منابع الکترونیک و پایگاه‌های اینترنتی نگارش یافته است که ضمن تبیین نقش آموزه‌های دین در ابعاد زندگی انسان و شخصیت وی، به بررسی روش‌های پرورش احساس و باورهای دینی کودکان در راستای ارتقای حق بر سلامت آنان پرداخته است.

**یافته‌ها:** عوامل مختلفی در تأمین سلامت روانی کودکان و نوجوانان نقش دارد که مهم‌ترین این عوامل، شکل‌گیری صحیح شخصیت کودک است و خود این شخصیت، منبعت از عوامل متعددی مثل تربیت مطلوب می‌باشد، که تربیت مطلوب هم تحت تأثیر اعتقادهای دینی می‌تواند به وجود آید، چرا که آموزه‌های دینی انسان‌ها را همواره به سمت اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی سوق داده و از سلامت روانی آنها حمایت کرده است.

**نتیجه‌گیری:** رشد شخصیت و تعالی تمایلات دینی آدم‌ها از دوران کودکی شروع شده و در دوران نوجوانی به حداکثر خود می‌رسد. در دوران نوجوانی انسان در پرتو تمایلات دینی و آموزه‌های فقهی سعی در تخفیف ناراحتی‌ها و تضادهای درونی خود دارد. فلذا اگر در این دوران خانواده و جامعه گرایش‌های دینی کودک را با روش‌های اصولی تقویت کنند، گام مهمی در تربیت صحیح و در نتیجه تأمین سلامت روان آنها برداشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** حق سلامت، تربیت، کودک، فقه اسلامی، سلامت روان



## مقدمه

در اسلام و آموزه‌های فقهی جایگاه کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است و هرگونه رفتار سوء با کودکان و نوجوانان و تضییع حق آنان در فقه اسلامی مذموم واقع شده است. چنانچه به نظر می‌رسد عدم توجه به کودکان و نوجوانان یکی از عامل‌های مهم تباهی جوامع و ملت‌ها می‌باشد، چرا که کودکان و نوجوانان امروز، آینده سازان فردای هر جامعه و ملتی هستند؛ لذا اگر در جهت تربیت صحیح آنان هر چه بیشتر تلاش و همت صورت پذیرد آینده جامعه روشن و به سمت افق‌های پیشرفت و سعادت خواهد بود، ولی چنانچه کمترین بی‌توجهی از سمت والدین، جامعه یا مسئولان در این زمینه صورت پذیرد آینده جامعه به سمت تیرگی و تباهی حرکت خواهد کرد. از آنجایی که شرع مقدس همواره چراغ هدایت جوامع بشری در جهت پیشرفت و سعادت و نیک‌بختی بوده است لذا در راستای تربیت صحیح کودکان و نوجوانان نیز رهنمون‌های بسیاری داشته است.

با توجه به این‌که شکل‌گیری شخصیت افراد از همان سال‌های اول زندگی و دوران کودکی شروع می‌شود لذا بهترین دوران جهت پرورش شخصیت و یادگیری رفتارهای مطلوب، همان دوران کودکی است، که این مسئولیت خطیر بر عهده والدین می‌باشد. فقه اسلامی به جهت آسیب‌پذیری و ظرافت کودکان، نقش والدین را از باب مسئولیت اولیه و نقش دولت را از باب مسئولیت ثانویه در راستای تأمین نیازهای کودکان و تأمین زمینه‌های مناسب جهت شکوفایی استعدادها و شکل‌گیری شخصیت آنها با تأکید بر آموزه‌های دینی، حائز اهمیت می‌شمارد. چراکه مسائلی چون عدم آشنایی و غفلت از آموزه‌ها و تعالیم دینی، فضای نامناسب خانواده به لحاظ عاطفی، نادیده گرفتن مشکلات روانی و جسمی کودک می‌تواند به مسائل و مشکلاتی چون فرار از منزل، ازدواج زودرس، تکدی‌گری، سرقت، ولگردی، اعتیاد و انحرافات جنسی و ... ختم گردد (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲: ۵۰). از طرفی با توجه به پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در عصری که در آن قرار داریم مثل رسانه‌های مجازی، شبکه‌های اجتماعی، تلفن‌های هوشمند، ماهواره‌ها و ... در نتیجه کم‌رنگ شدن رابطه فرزندان با والدین و عدم توجه فرزندان، تربیت آنها بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی بسیار دشوار شده است (نوروزی، کاظمی و شاهمرادی، ۱۳۹۶: ۱۷۹-۱۷۸).

در این راستا جوادی‌پور (۱۳۹۹)، طی مطالعه‌ای با عنوان «تأملی فقهی-حقوقی بر آسیب‌شناسی اجتماعی کودکان در خانواده» به این نتیجه رسیده است که خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی دارای کارایی‌های بسیاری مثل تأمین نیازهای عاطفی و سلامت روحی روانی، ارائه هنجارهای رفتاری و اخلاقی و پرورش و تربیت کودک است. اما با گسترش تضاد میان هنجارها و آلودگی فضای روانی و معنوی در بعضی از خانواده‌ها، زمینه‌های جهت آسیب‌های اجتماعی کودکان فراهم شده است. به طوری که استفاده اشتباه از فضای مجازی، کم‌رنگ شدن رابطه کودک با والدین، کودک‌آزاری، تکدی‌گری، فرار از منزل، ازدواج زودرس، ممانعت از تحصیل، قاچاق کودک، استفاده از مواد مخدر و ... گسترش بیشتری یافته است. لیکن با توجه به اینکه رفتارهای هنجارمند می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی کودک مؤثر باشد و سبب ارتقای سازگاری کودک با جامعه شود لذا تقویت سلامت معنوی در راستای سلامت روان به‌عنوان سنگ بنای اصلی اقسام دیگر سلامت ضرورت می‌یابد. لذا در جهت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، در شرع مقدس احترام و تکریم کودک واجب است، که با روش‌های مختلف مثل محبت، نوازش، مهربانی، هم‌بازی شدن با او و دادن حق انتخاب به وی فعلیت می‌یابد. از سوی دیگر علی‌رغم اینکه با استناد به قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم» انسان‌ها بر یکدیگر سلطه ندارند ولی کودک با توجه به ظرافت، آسیب‌پذیری و توان کم، سلطه و ولایت بر او ضرورت پیدا می‌کند (جوادی‌پور، ۱۳۹۹: ۶۶-۴۹). در پژوهش دیگری که توسط روحی (۱۳۹۰) تحت عنوان «حق سلامت جنین از منظر اخلاق، فقه و حقوق پزشکی» صورت پذیرفته است، یافته‌های مطالعه حاکی از آن است با توجه به این‌که جنین



دانشگاه آزاد اسلامی مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراژوئی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



دارای شخصیت بالقوه و ظرفیت پیمودن مراحل رشد و سیر به سمت انسانیت و تکامل انسانی است، مثل بقیه انسانها دارای حق سلامت و حق حیات است که باید حمایت شود. اگرچه امروزه در کشورهایی مثل ایران و انگلستان از بین بردن جنین جرم تلقی می‌شود. لیکن مسأله حمایت از جنین در کل به جهت حمایت از حق حیات او به واسطه قوانین مربوطه بوده است. در حالی که به نظر می‌رسد فلسفه وجود قوانین حمایت از جنین علاوه بر اینکه از زنده متولد شدن جنین حمایت می‌کند، بلکه ناظر بر حق سلامت جنین در تمام طول دوران بارداری مادر و ایجاد بسترهای مناسب جهت سالم به دنیا آمدن جنین نیز می‌باشد (روحی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۸۷). در تحقیقی که توسط نیکزاد (۱۳۹۵) تحت عنوان «عوامل و موانع سلامت روح از نگاه اسلام» صورت پذیرفته است، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از منظر اسلام، انسان ترکیبی از جسم و روح است لذا اسلام به مواظبت از هر دو بعد تأکید دارد. و نه بی‌اعتنایی به بعد جسمانی پذیرفته است و نه بی‌توجهی به بعد روانی به بهانه رسیدگی به جسم قابل قبول است. از دید اسلام کمال انسان در این است که به همه ابعاد وجودی خودش توجه کند، ولی در عین حال همه این ابعاد از نگاه اسلام به یک اندازه حائز اهمیت نیستند بلکه اسلام اصالت را به روح و روان و معنویت می‌داند و تا جایی توصیه به رسیدگی به بعد جسمانی و مادی می‌کند که مزاحم بعد معنوی و روانی انسان نگردد بلکه ظرفیتی باشد برای رشد و تعالی روح و روان انسان. لذا ممنوعیت اشاعه عقاید باطل، ترویج شرک و کفر، ممنوعیت کتاب‌های ضاله یا سایت‌ها، کانال‌ها، فیلم‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای که کارشان ترویج افکار باطل و منحرف است به این دلیل است که این موارد تأثیر منفی در سلامت روح و روان انسان دارد. مسائلی چون انکار معاد و مبدأ آفرینش، انکار وحی و نبوت، پوچ و بی‌هدف پنداشتن جهان هستی و ... تأثیرات مخرب زیادی را در روح و روان انسان‌ها ایجاد می‌کند. که اضطراب و تشویش، پوچ‌گرایی، افسردگی، بی‌بندوباری، سردرگمی، بدبینی و بیگانگی با جهان هستی از پیامدهای منفی جهان‌بینی مادی، جدی‌ترین آسیب‌های روح و روان است. مهم‌ترین عامل سلامت روح و روان، سلامت فکری و اعتقادی و مهم‌ترین مانع سلامت روح و روان، انحرافات فکری و اعتقادی است (نیکزاد، ۱۳۹۵: ۱۵-۷). پوررضا، الله‌وردی و اسماعیلی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جایگاه حق بر سلامت: از گفتمان فقهی و حقوقی تا گفتمان قضایی (با تأکید بر تأثیر استدلال‌های قضایی)» به این نتیجه رسیده‌اند که جهت تبلور حق بر سلامت در حقوق ایران به دو پیش‌شرط اصلی نیاز است. اول اینکه براساس قواعد شرعی نیز می‌توان از حق بر سلامت، به‌عنوان حقی برای شهروندان صحبت کرد. هرچند که حقی تحت عنوان حق بر سلامت تصریح نشده است اما می‌توان این حق را استنباط کرد. قواعد مهم فقهی مثل قاعده لاضرر و قاعده تسبیب پشتوانه نظری حق بر سلامت قرار می‌گیرند و قابل استناد هستند. پیش‌شرط دوم، لزوم ورود حق بر سلامت از گفتمان قانونی به گفتمان قضایی است. با توجه به اینکه قوانین گوناگونی در موضوعات مختلف وجود دارند که به صورت کارآمد و مؤثر وارد مرحله اجرا نمی‌شوند؛ لذا به‌نظر، آنچه می‌تواند به عنوان میانجی سیاست تقنینی و سیاست قضایی در رابطه با حق بر سلامت نقش بازی کند استدلال قضایی است. براساس قانون اساسی و قوانین موضوعه، آرای دادگاه‌ها باید مستند و مستدل باشند، از طرفی اصل ۱۶۷ قانون اساسی عنوان می‌کند در موارد سکوت، ابهام، اجمال یا تعارض قوانین، می‌توان به آموزه‌های فقهی مراجعه کرد. بنابراین در رابطه با پرونده‌های مبتنی بر حق بر سلامت، دادگاه می‌تواند به این روش حق را شناسایی و به آن استناد کند (پوررضا، الله‌وردی و اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۴-۱). حق سلامت انسان‌ها پیوسته از موضوع‌های حائز اهمیت جوامع بشری بوده است. در این راستا به تأثیر عوامل مؤثر دین، قرآن و آموزه‌های فقهی در سلامت انسان‌ها توجه بسیاری می‌شود. آموزه‌های فقه اسلامی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اصول و باید و نبایدهایی است که از دو منبع قرآن و عترت نشأت می‌گیرد. مبنای کلی فرهنگ و آموزه‌های اسلامی در آیات قرآن کریم بیان شده و جزئیات آن توسط ائمه



معصوم (ع) تفسیر شده است. فرهنگ و آموزه‌های اسلامی به تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها گرا می‌دهد؛ که نهایت آن، رشد و تعالی فردی و سعادت اجتماعی است. لذا این مطالعه با توجه به همسویی آموزه‌های فقهی با فرهنگ مردم و قبول راحت آن توسط والدین، به عنوان اولین مراقبت کننده‌های سلامت کودکان و با توجه به اهمیت شاخص‌های سلامت روان کودکان، در راستای تبیین حق سلامت روانی کودکان و نوجوانان، بر اساس آموزه‌های فقه اسلامی صورت پذیرفته است.

## روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، از جمله مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و جستجو در منابع الکترونیک و پایگاه‌های اینترنتی، ابتدا مفهوم و جایگاه کودک در جامعه و فقه اسلامی را تشریح کرده؛ سپس حق سلامت کودک و نوجوان در خانواده از دیدگاه اسلام و نقش والدین در تربیت کودک در جهت رشد شخصیت وی با هدف نیل به حق سلامت روانی را تبیین می‌کند؛ در نهایت به بررسی ابعاد تربیتی کودک در راستای حمایت از سلامت روحی و روانی وی از منظر فقه اسلامی می‌پردازد.

## یافته‌ها

### ۱. مفهوم شناسی

#### ۱-۱. مفهوم لغوی کودک

بر اساس ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک، به هر انسان زیر ۱۸ سال کودک گفته می‌شود. به بازه زمانی تولد تا ۱۸ سالگی دوران کودکی گفته می‌شود. در کشور جمهوری اسلامی ایران و دین مبین اسلام، بازه زمانی کودکی از زمان تشکیل نطفه است تا قبل از ۱۸ سال تمام قمری (محمودی و شمسی، ۱۴۰۰: ۷۱). که این بازه زمانی خود تقسیم می‌شود به مراحل زیر؛ جنین؛ از زمان انعقاد نطفه تا لحظه تولد مرحله جنینی می‌باشد.

نوزاد؛ از لحظه‌ای که کودک زنده متولد می‌شود تا پایان مرحله شیرخوارگی نوزاد گفته می‌شود، یعنی تا پایان زمانی که از مادر شیر می‌خورد.

کودک غیرممیز؛ به کودک تا سن هفت سالگی غیرممیز گفته می‌شود، یعنی کودکی که سن هفت سالگی را تمام نکرده باشد کودک غیرممیز است.

کودک ممیز؛ ممیز یعنی تمیز و تشخیص و در جایی کاربرد دارد که فردی قدرت جداسازی و تشخیص و تمایز بین چند چیز مشابه هم را داشته باشد. لذا کودک ممیز یعنی کودکی که سن ۱۲ سالگی را تکمیل نکرده و قدرت تشخیص و تمایز بین معانی و مفاهیم را دارد.

کودک نوجوان؛ بازه زمانی بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی را نوجوانی می‌گویند، یعنی به کودکی که سن ۱۲ سالگی را تمام کرده، تا پایان سن ۱۸ سالگی نوجوان گفته می‌شود (برهانی، ۱۳۹۸: ۳۰).

#### ۱-۲. مفهوم فقهی کودک

در اصطلاح فقهی به کسی که به حد بلوغ نرسیده باشد کودک گفته می‌شود و بالغ به کسی گفته می‌شود که قوای جسمی و غریزه جنسی او به حد کافی رشد کرده باشد. اما از لحاظ سنی، مشهور فقهای امامیه برای جنس مذکر ۱۵ سال تمام قمری را بلوغ می‌دانند، یعنی ورود به ۱۵ سال کافی نیست و باید ۱۵ سال را تکمیل کند تا بالغ گفته شود و برای جنس مؤنث نیز ۹



سال تمام قمری است (رسولی، ۱۳۹۴: ۱۲۵-۱۲۳). لذا در این مطالعه استعمال اصطلاح «کودک»، در مفهوم کودک و نوجوان می‌باشد.

### ۳-۱. مفهوم حق

مفهوم لغوی اصطلاح حق عبارت است از عدالت، یقین، راستی، مال، بهره و نصیب، ملک، واقع، دوراندیشی و ... (مسعود، ۱۳۸۱: ۶۹۰-۶۸۸). حق در علوم مختلف مثل حقوق، اخلاق و سیاست به کار می‌رود که در اصطلاح حقوقی عبارت است از امتیاز و نفعی متعلق به شخص، که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۴۴۲). در ترمینولوژی حقوق نیز در تعریف حق آمده است؛ توانایی که شخص بر چیزی یا شخصی داشته باشد، اصل این است که هر حقی قابل انتقال به غیر و قابل اسقاط است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۳: ۱۷۲۲).

### ۴-۱. مفهوم تربیت کودک و جایگاه آن در اسلام

مفهوم لغوی تربیت به معنی زیاد شدن، اوج گرفتن و رشد و نمو کردن است. تربیت در اصطلاح به مفهوم ایجاد کردن دگرگونی مطلوب در شخص و به کمال رساندن مداوم و تدریجی وی است. به عبارتی تربیت شامل شکوفا کردن استعدادها، رساندن شخص به کمال و کمک به او در مسیر نیل به سعادت است. در اصطلاح حقوقی هم تربیت به مفهوم پرورش روحی و اخلاقی کودکان آمده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). پیامبر اکرم (ص) در روایت مشهوری می‌فرماید: «السَّعِيدُ مَنْ سَعَدَ فِي بَطْنِ أُمَّه وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّه، یعنی دل مادر زمینه‌ساز شقاوت یا سعادت کودک است» به عبارتی یعنی پدر و مادر هستند که زمینه سعادت یا شقاوت کودک را فراهم می‌آورند. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «زیناکاران واقعی کسانی هستند که خود و خانواده‌شان را از آتش جهنم نجات نداده‌اند، زین آشکار همین است که باید به خاطر فرزندان‌شان به جهنم بروند!» لذا فرزندان امانت و مسئولیت بزرگی هستند که والدین در روز قیامت به خاطر آنها بازخواست خواهند شد. خداوند با دستوری که در این آیه به والدین می‌دهد در رابطه با اینکه مراقب خود و فرزندان خود باشند، در واقع این دستور در راستای تربیت اهل بیت و فرزندان است. به این مفهوم که هم پدر و هم مادر در قبال تربیت فرزند خویش مسئولیت دارند و لازم است نسبت به انجام این وظیفه مهم با جدیت مبادرت ورزند. امامان معصوم (ع) نیز به بُعد سلامت روانی و تربیت کودک بسیار توجه داشته‌اند. چنان که حضرت علی (ع) در رابطه با تربیت اولاد، به فرزند خود امام حسن (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبِلَتْه؛ دل کودک مانند زمین خالی است، هر آنچه در آن انداخته شود، می‌پذیرد؛ لذا در تربیت تو شتاب کردم قبل از آنکه قلب تو سخت گردد و اندیشه تو به چیز دیگری مشغول شود تا به کارهایی بشتابی که با تجربه‌ها قبل از تو آن را آموده‌اند و تو را از تلاش و آزمون دوباره بی‌نیاز کرده‌اند». من حیث المجموع می‌توان گفت، مکتب اسلام سراسر تربیت است و هدایت، که جامعه و والدین را به تربیت نیکو و ارتقای سلامت روان کودکان تشویق می‌کند (کیان، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۱).

### ۲. حقوق کودک از منظر فقه اسلامی

فقه اسلامی برای کودکان کرامت ذاتی قائل بوده و برای آنان حقوقی با دامنه وسیع و غنی متصور است که از مهم‌ترین این

۱. سوره زمر، آیه ۱۵.



حقوق، حق کودک بر والدین است. والدین وظیفه دارند کودکان را گرمی داشته و آنها را به خلق و خوی ناپسند عادت نداده و در پرورش صحیح جسم و روح و روان آنها جدیت به خرج دهند. آموزه‌های فقه اسلامی هرگونه توهین و تعدی انسان‌ها نسبت به یکدیگر و مخصوصاً نسبت به کودکان را مورد مذمت قرار داده و انسان را به گسترش مهربانی و محبت نسبت به یکدیگر سفارش کرده است. لذا بر پدر و مادر واجب است تا کودک را با جمیع شرایط وی، به‌عنوان یک انسان بپذیرند و بر مبنای اصول مصلحت و کرامت و مهربانی با او برخورد کرده و کمترین بی‌احترامی یا بی‌توجهی نسبت به شرافت انسانی و حیثیت او نمایند (عبادی، ۱۳۷۸: ۲۷۲-۱).

## ۱-۲. حق بر سلامت جنین

به منظور تبیین سلامت روان کودک از منظر فقه، نیاز است شخصیت سالم را بررسی کنیم، چرا که سلامت روان در گرو شخصیت سالم است و داشتن شخصیت سالم نیز در گرو تربیت صحیح کودک است. در آموزه‌های فقه اسلامی نیز حقوق تربیتی کودک تا حدی حائز اهمیت است که برای تمام مراحل تکامل حیات کودک، از قبل انعقاد نطفه تا بعد از تولد، رهنمون‌های روشنی ارائه داده است.

## ۱-۲-۱. حق بر تربیت جنین قبل از انعقاد نطفه

جنین حق دارد که در رحم پاک قرار گرفته و پدر و مادری صالح و شایسته داشته باشد. بنابراین بر پدر و مادر است که در راستای اولین حق کودک ازدواجی شرعی و قانونی داشته و در کانون پاک و مقدس خانواده انعقاد نطفه کنند. اسلام تولد فرزند در خارج از حدود این شرایط را نهی کرده و معتقد است کودکی که خویش را حاصل رابطه‌ای نامشروع بداند در آتیه دچار اختلال‌های رفتاری و روانی زیادی خواهد شد (حیدری، ۱۳۹۶: ۶۸). حضرت علی(ع) در این راستا می‌فرماید: «مَنْ لَوْمَ سَاءَ مِيلَادُهُ؛ هَر كَسٍ پَسْتُ بَاشَد وَوَلادَتش نَاشایسْت بَوَدَه اسْت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷). یا پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْتَحْ فِيمَا قَالَ، أَوْ قِيلَ لَهُ فَهُوَ لِعَيْرِ رَشْدَةٍ، أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ؛ هَر كَسٍ از آنچِه می‌گوید یا به او گفته می‌شود، شرم نکند، یا فرزند ناپاکی است یا مادرش در حال ناپاکی به او باردار شده است» (جزری، ۱۴۰۹: ۲۸۱). حق دیگر جنین قبل از انعقاد نطفه این است که مرد و زنی که با هم ازدواج می‌کنند به لحاظ روحی و روانی انسان‌های سالم و صالحی باشند. لذا اسلام در جهت برخورداری کودک از سلامت روانی و جسمی توصیه می‌کند هر یک از زوج‌ها به هنگام وصلت در خصوصیات جسمی و روحی یکدیگر دقیق شوند تا ماحصل زندگی مشترکشان فرزند صالح و سالمی باشد. در این رابطه پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و ریشه اثر دارد» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۷۰۶). با توجه به اینکه کودکان صفات ظاهری و معنوی پدر و مادر را به ارث می‌برند، علی‌الخصوص مادران ریشه فرزندان می‌باشند؛ لذا انتخاب همسری نیکو از طرف مرد می‌تواند تأثیر خیلی زیادی در تربیت فرزند شایسته و صالح داشته باشد و انتخاب همسر بدنام و دارای مشکلات جسمی و روانی، تأثیرات سوء و جبران‌ناپذیری می‌تواند در تربیت کودکان داشته باشد. در این رابطه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمَقَاءِ؛ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ، وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ؛ از ازدواج با زن کم خرد بپرهیزید؛ چرا که همراهی او بلاست و فرزندانش تباه». یا امام صادق(ع) می‌فرماید: «تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثٌ خِصَالٌ: اخْتِيَارُهُ لِوَالِدَتِهِ، وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ؛ فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در تربیت او بکوشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۲).

## ۱-۲-۲. حق بر تربیت جنین حین انعقاد نطفه



یکی دیگر از حقوق جنین از نظر فقه اسلامی ناظر بر مرحله شکل‌گیری نطفه است. دین مبین اسلام در این رابطه دستوراتی را ارائه داده است از جمله ترک حرام و رعایت تقوا توسط والدین، مثل پرهیز از خوردن غذای حرام در زمان شکل‌گیری نطفه. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) به پدران فرموده‌اند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ بِأَطْعَامِهِمْ الْحَلَالَ؛ فرزندان خود را در رحم مادرانشان تربیت کنید. سؤال شد: این کار چگونه ممکن است؟ فرمودند: با خوردن غذای حلال به مادرش». پروردگار تبارک و تعالی در قرآن کریم به شیطان می‌فرماید: «برو! هر کس تو را پیروی کند، جهنم کیفر شما خواهد بود؛ کیفری فراوان...؛ و در اموال و اولادشان شریک شو...!». یعنی شیطان در مال حرام شریک است و اگر مال شخص از حرام باشد وقتی وی با همسر خود نزدیکی می‌کند شیطان نیز او را همراهی می‌کند، لذا قسمی از نطفه مال شخص و قسمی از نطفه از شیطان خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۲). پر واضح است نطفه‌ای که با شراکت شیطان بسته شود بعد از تولد گرایش او به معصیت بیشتر و تربیت او دشوارتر خواهد بود.

۲-۱-۳. حق بر تربیت جنین بعد از انعقاد نطفه

بعد از انعقاد نطفه هم جنین حقوقی دارد که بر والدین است تا آنها را رعایت کنند. مادر باید توجه داشته باشد وقایعی که بر وی رخ می‌دهد بر وضعیت جنین تأثیر می‌گذارد، لذا در این مرحله جنین نسبت به حوادث و وقایع از مادر حساس‌تر است، برخی از تغییر حالات مادر مستقیم جنین را در رحم تحت تأثیر قرار می‌دهد که برخی از این حالات با ایجاد اختلالات کروموزومی، جنین را دچار ناهنجاری‌های مادرزادی می‌کند. لذا والدین باید قبل از بچه‌دار شدن اطمینان حاصل کنند که به هیچ بیماری واگیرداری مبتلا نیستند. چرا که اگر در این بازه زمانی والدین سهل‌انگاری کنند بعد از تولد با خسارات جبران‌ناپذیری روبه‌رو خواهند شد. مسائلی مثل مصرف مواد مخدر، تغذیه نامناسب، مصرف الکل، سن مادر، مصرف داروهای شیمیایی، استرس، اشعه ایکس، هیجان و ... هم از مواردی هستند که در تکامل روانی و جسمی جنین و در نتیجه کودک تأثیر می‌گذارند (روحی، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۸۷).

۲-۲. حق سلامت روانی کودک بعد از تولد

اسلام کودک را امانتی الهی می‌داند در دست پدر و مادر، که باید در جهت سلامت و تربیت جسم و روان او تلاش کنند. در آموزه‌های فقه اسلامی همان‌گونه که به سلامت جسم کودک توجه شده به سلامت روحی و روانی وی نیز تأکید شده است. چنانچه خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید هیچ یک از والدین حق ندارند به فرزند ضرر بزنند (امامی، ۱۳۹۸: ۸۰).

۲-۲-۱. تنبیه کودک

علی‌رغم این‌که عموم مردم فکر می‌کنند به روش تنبیه کردن می‌توانند بر کودک تسلط داشته و او را مطیع و حرف‌گوش کن بار بیاورند ولی واقعیت این است که تنبیه علاوه بر اینکه به هیچ عنوان در تربیت صحیح کودک تأثیر ندارد بلکه باعث آسیب‌های روحی و روانی بسیاری در طفل خواهد شد. با توجه به قاعده «لاضرر»، تنبیه با اسلام نیز مغایرت دارد، چرا که در اسلام حتی دفع ضرر احتمالی هم از واجبات است، تا جایی که احتمال ضرر، روزه گرفتن را هم که تکلیف شرعی است تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا تنبیه نه تنها کمکی به رشد کودک نمی‌کند بلکه زمینه‌های بدبختی وی را نیز مساعد خواهد کرد و این برای آینده هر جامعه‌ای خسارت جبران‌ناپذیری است (رحمانی، ۱۳۸۷: ۸). در اثر تنبیه بدنی کودک، علاوه بر صدمات بسیاری که بر جسم

۱. سوره اسراء، آیه ۶۳ و ۶۴.  
 ۲. سوره بقره، آیه ۲۳۳.



کودک وارد می‌شود و چه‌بسا تنبیه کننده در اثر تنبیه شدید، عنان اختیار از کف داده و صدمات غیرقابل جبرانی بر جسم نحیف و ضعیف و لطیف کودک وارد کند، آسیب‌های روحی روانی بسیار جدی نیز در اثر تنبیه می‌تواند به کودک وارد شود. از جمله این آسیب‌های روانی می‌توان به مواردی اشاره کرد، مانند اینکه؛ کودک از همان دوران کودکی فکر می‌کند تمام مشکلات را باید با خشم و از طریق منازعه با دیگران حل کرد؛ تنبیه کردن باعث می‌شود کودک احساس بی‌ارزشی کند و اعتماد به نفسش تا حد قابل توجهی پایین بیاید؛ دید منفی به کودک خواهد داد و مفهوم انتقام در ذهنش تداعی خواهد شد؛ چون تنبیه کننده در بیشتر موارد پدر و مادر کودک هستند لذا کودک نسبت به تمام دنیا و آدم‌ها عدم اعتماد پیدا می‌کند، چرا که از نزدیکترین کسان خود که تکیه‌گاهش هستند در حال ضربه خوردن است و ... (سوهانی، عاطفه، امیری قائمی، علی، و کیلی، نجمه و آهنگران، خلیل ۱۳۹۶: ۷۴-۷۳). مادامی که اطفال امروز - عاملان بقای فردا - مورد حمایت کافی قرار نگیرند آینده بشریت چشم‌انداز مبهمی خواهد داشت و در این میان دولت‌ها باید سعی خود را بر احقاق حقوق اساسی و انسانی اطفال، جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده و بهره‌کشی، تضمین آموزش، سلامت بهداشتی و روانی و زندگی موفق اجتماعی کودکان متمرکز کنند (بیگی، ۱۳۸۸: ۲۴).

#### ۲-۱-۲. تنبیه اسلامی

هدف اصلی و اساسی‌ترین نقش اسلام، تربیت و اصلاح است و مسیری که برای این اصلاح تعیین کرده همواره تشویق و ترغیب کودک به سمت کارهای اخلاقی و نیک است. اما تنبیه درست و طبق آداب، روشی مناسب برای بیدار کردن و هوشیار ساختن و ادب کردن کودکان و برای جدا کردن آنها از بدی و کجی می‌باشد. تنبیه و مجازات درست و طبق ضوابط، نقش اساسی در اصلاح فرد و جامعه دارد و علی‌رغم ظاهر آن، از لطافت و جمالی شگفت برخوردار است و عین رحمت و محبت بوده و باعث پاکي و پاکیزگی فرد و جامعه می‌شود (بیگی و غلامی، ۱۳۹۱: ۵۰). لذا تنبیهی که در اسلام برای کودک مطرح شده است دارای حکمت و فلسفه اخلاقی و حد و حدودی است، مثلاً گفته سه ضربه شلاق، به طوری که بدن کودک کبود نگردد. لذا منظور روشن است، که والدین از روی سیاست تنبیهی حکیمانه کرده و ضربه‌های آرامی وارد کنند که به فیزیک و روان کودک آسیب نزنند بلکه کودک را متوجه رفتارش بسازند تا رفتارش را تکرار نکند. ضمن این‌که اسلام تنبیه را برای کودکان زیر هفت سال مجاز ندانسته است، که اسلام دین مهربانی است، نه دین خشم و ستم (رحمانی ۱۳۸۷: ۹-۸).

#### ۲-۲-۲. تنبیه به‌مثابه کودک آزاری

در برخی موارد مشاهده شده است که تنبیه بدنی طفل توسط پدر و مادر به تدریج به پدیده کودک‌آزاری تبدیل شده است که از خطرناک‌ترین آسیب‌های تهدید کننده سلامت روانی کودکان است و می‌تواند آسایش و امنیت خانواده را از بین ببرد. کودک-آزاری به هرگونه رفتاری گفته می‌شود که موجب آزار جسمی و روانی و ایجاد آثار ماندگار در وجود کودک شود، مثل محروم کردن کودک از غذا؛ محروم کردن کودک از درس؛ حبس کودک در یک مکان و ...، که این موضوع بیشتر در بین افرادی دیده می‌شود که فقر فرهنگی دارند و ربطی هم به متمولی والدین یا سطح سواد آنها ندارد، لذا کودک‌آزاری در بین افراد بی‌سواد، تحصیل کرده، ثروتمند و فقیر هم دیده می‌شود (پیمان‌پاک، پورعلمداری و پاکدامن، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۴).

#### ۲-۲-۲. بازی کردن کودک

آموزه‌های فقه اسلامی بازی کردن را در سلامت روانی کودکان مؤثر می‌داند. در این رابطه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) می‌فرمایند: «الصَّبِي فِي صِعْرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ؛ بازیگوشی و شیطنت بچه در کودکی، مایه فزونی خرد او در بزرگسالی





است». یا امام موسی کاظم (ع) می فرمایند: «تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ؛ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا؛ خوب است بچه در کودکی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی بردبار گردد؛ شایسته نیست که جز این باشد». لذا بازی کردن هم به رشد ذهنی کودک کمک می کند و هم عقل اجتماعی او را توسعه می دهد و با حل کردن مشکلاتی که در طول بازی کردن برایش پیش می آید برای روبرویی و حل معضلات جدی زندگی در آینده آماده می شود (امینی، ۱۳۸۰: ۱۵۴-۱۵۰).

### ۲-۲-۳. رعایت عدالت و مساوات

از دیگر حقوقی که اسلام در راستای سلامت روانی کودک مهم می داند رعایت عدالت و مساوات است. فقه اسلامی همواره بر رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان توصیه کرده و آن را از مسئولیت های اخلاقی مهم پدر و مادر می داند. پدر و مادر هیچ وقت نباید بین فرزند پسر و دختر تمایز قائل شده و فرزندی را بر فرزندان دیگر یا پسر را بر دختر مقدم شمارند. یا یکی را بیشتر از بقیه مورد توجه و محبت قرار دهند. در این رابطه پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: « اتَّقُوا اللَّهَ وَ اَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ اَنْ يَبْرُوْكُمْ؛ از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، همان گونه که می خواهید با شما به نیکی رفتار کنند» (برهانی، ۱۳۹۸: ۶۶-۶۴).

### ۲-۲-۴. عزت نفس

یکی از اساسی ترین موضوعاتی که در سلامت روان انسان ها نقش داشته و در کامیابی ها و ناکامی های او به صورت مستقیم تأثیر دارد عزت نفس است. در آموزه های فقه اسلامی، عزت نفس به عنوان هدف تربیتی در جهت سوق انسان ها به سمت سلامت روانی و تربیت صحیح مطرح است. اوایل دوران کودکی بهترین فرصت جهت انتقال تعالیم مذهبی و معنوی و رشد و تکامل معنوی کودک است، چراکه شخصیت دوران بزرگسالی در کودکی شکل می گیرد، لذا در بحث آموزش با توجه به اینکه کودکی مهمترین بخش زندگی هر انسان است و آموزش زمانی می تواند در بزرگسالی تأثیرهای پایدار و کارآمد داشته باشد که از همان اوان کودکی به صورت فرآیند و با جدیت دنبال شده باشد، آموزش کودکان به نسبت به بزرگسالان اهمیت بسزایی دارد (بیگی، ۱۳۹۸: ۳۲-۳۱). قرآن و احادیث راهکارهای زیادی در جهت ایجاد و تقویت عزت نفس در کودکان توسط والدین ارائه داده اند مثل احترام گذاشتن به کودک، نام نیکو گذاشتن بر او، محبت کردن به او و ...، که همه این موارد در جهت ارتقای سلامت روانی کودکان بسیار مؤثر است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۲-۹). در این راستا پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ اَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید». واضح است که تکریم کودک از نظر اسلام چندان اهمیتی دارد که موجب بخشودگی گناهان می شود (مشایخ، محسنی چلک و صلاحی کجور، ۱۴۰۰: ۶۲).

### بحث و نتیجه گیری

دوران کودکی با ارزش ترین بازه عمر هر انسانی است، می بایست در جهت پرورش و تکوین یک شخصیت ایده آل از این موجود انعطاف پذیر، از تمام ظرفیت های علوم اجتماعی و روانی استفاده کرد. لازمه این امر، شناخت کامل فیزیولوژی کودک و آشنایی با علم روانشناسی کودک و آگاهی از نیازهای مادی و روانی وی است. باید حواسمان باشد که کودک بیش از هر چیزی نیاز به محبت دارد و درس محبت و مهربانی، پاکی، صداقت، خلوص نیت، وفاداری، شفقت، شهامت، جسارت، تواضع، سخاوت، عزت نفس و سایر خصایص نیکو را در همان سال های اول زندگی در آغوش گرم و پرمحبت والدین می آموزد. در آموزه های فقه اسلامی، سلامت روانی کودک از اهمیت بالاتری نسبت به سلامت جسمانی او برخوردار است. بنابراین تلاش در جهت ایجاد روح و روانی شاد و با نشاط در راستای ارتقای سلامت روانی کودک بسیار حائز اهمیت است. لذا چنانچه از اوایل دوران کودکی و از همان



ابتدا اعتقاد به خداوند تبارک و تعالی و ایمان به مبدأ آفرینش و معاد در ذهن کودک نقش ببندد و بین دین و عقایدش رابطه برقرار شود، قطعاً فطرت خداجوی کودک رشد یافته و کودک به وجودی بالاتر و برتر ایمان پیدا می‌کند. که به دنبال ایجاد این رابطه، خصایص نیک پیش‌گفته مثل صداقت، ایمان، توکل و عزت‌نفس تجلی می‌یابد. به‌عبارتی سلامت روان ایجاد می‌شود که زمینه‌ساز ابعاد دیگر سلامت، مثل سلامت جسمی، معنوی و اجتماعی خواهد شد.

ولی متأسفانه قوانین ما به حق سلامت روان کودک در قالب حقوق تربیتی وی چه قبل از تولد و چه بعد از تولد، اهمیتی نداده است و صرفاً به حقوق مادی کودک توجه کرده است. لذا پیشنهاد می‌شود اولاً در قانون مدنی وظایف والدین در قبال تربیت شخصیت کودک در راستای حمایت از حق سلامت روانی کودک به‌صورت روشن و دقیق احصا شده و برای انجام آن‌ها ضمانت‌های دقیقی پیش‌بینی شود. ثانیاً والدین جهت داشتن اولادی صالح با روان سالم و اخلاق پسندیده، لازم است که قبل از انعقاد نطفه در راستای تربیت او برنامه‌ریزی کنند. ثالثاً مسئولین مربوطه تدابیری اتخاذ کنند که جوانان قبل از ازدواج در کلاس‌های آموزشی جهت شناختن اخلاق و روحیات متقابل و نحوه رویارویی با پستی و بلندی‌های زندگی مبتنی بر اصول تعلیم و تربیت کودک به‌صورت اجباری شرکت کنند. رابعاً در کلاس‌های آموزش اجباری قبل از بچه‌دار شدن، در راستای آموزش تربیت فرزند، در جهت حمایت از حقوق سلامت کودکان شرکت کنند.

## منابع و مأخذ

۱. اعرافی، علیرضا و موسوی، سیدنقی (۱۳۹۲)، تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه، *مجله فقه*، ۲۰(۷۶): ۷۰-۴۸.
۲. امامی، مسعود (۱۳۹۸)، رضاع مادر در قرآن کریم؛ تبیین احکام مقرر در آیه ۲۳۳ سوره بقره، *مجله قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ۵(۱۰): ۶۱-۸۶.
۳. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰)، *اسلام و تعلیم و تربیت*، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۴. برهانی، غلام‌حسرت (۱۳۹۸)، حمایت کیفری خاص از تمامیت روانی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و افغانستان، *ماهنامه عدالت*، ۲۰(۱۹۴): ۶۷-۲۸.
۵. بیگی، جمال (۱۳۸۸)، *بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران*، چاپ دوم، انتشارات میزان.
۶. بیگی، جمال (۱۳۹۸)، راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی، *فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری*، ۹(۴): ۴۶-۳۱.
۷. بیگی، جمال و غلامی تازه‌قلعه، توحید (۱۳۹۱)، تنبیه بدنی کودکان در آموزه‌های فقهی، قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی، *نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۵(۱۳-۱۲): ۶۰-۳۸.
۸. پوررضا، مهدی، الله‌وردی، فرهاد و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۹)، جایگاه حق بر سلامت: از گفتمان فقهی و حقوقی تا گفتمان قضایی (با تأکید بر تأثیر استدلال‌های قضایی)، *مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت*، ۴(۱): ۱۴-۱.
۹. پیمان‌پاک، فائزه، پورعلمداری، پریسا و پاکدامن، شهلا (۱۳۹۴)، دیدگاه اسلام و پیشوایان دینی در مقابله با کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان، *نشریه معرفت*، ۲۴(۲۰۹): ۱۴۶-۱۳۱.
۱۰. تمیمی‌آمدی، عبدالواحدبن‌محمد (۱۴۱۰)، *غررالحکم و دررالکلم*، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالکتاب الاسلامی.
۱۱. جزری، عزالدین‌ابن‌اثیر (۱۴۰۹)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، جلد دوم، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر.
۱۲. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۰)، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، چاپ سی‌وسوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۳. جوادپور، مریم (۱۳۹۹)، تأملی فقهی-حقوقی بر آسیب‌شناسی اجتماعی کودکان در خانواده، *مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت*، ۴(۱): ۶۶-۴۹.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فرزندی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



۱۴. حیدری، مسعود (۱۳۹۶)، نخستین گام حمایتی از اطفال در سیاست جنایی اسلام، حمایت از مجاری پیدایش اطفال، *فصلنامه پژوهش-های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۳(۴۸): ۸۰-۶۳.
۱۵. رحمانی، سید عبدالوهاب (۱۳۸۷)، حدود تنبیه طفل توسط والدین، *ماهنامه عدالت*، تخصصی حقوقی فرهنگی، ۱۰(۷۱): ۱-۱۲.
۱۶. رسولی، محمد یاسین (۱۳۹۴)، نقش خانواده در تخلفات اطفال، *فصلنامه علمی تخصصی مطالعات حقوق اسلامی*، ۱(۲): ۱۲۸-۱۲۰.
۱۷. روحی، علی (۱۳۹۰)، حق سلامت جنین از منظر اخلاق، فقه و حقوق پزشکی، *فصلنامه فقه پزشکی*، ۳(۶): ۸۷-۱۱۹.
۱۸. سوهانی، عاطفه، امیری قائمی، علی، و کیلی، نجمه و آهنگران، خلیل (۱۳۹۶)، تبیین نقش مربیان والدین در تعمیق باورهای دینی در کودکان با رویکرد قرآنی، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، ۸(۳۰): ۸۶-۶۷.
۱۹. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۰)، *حقوق خانواده*، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. عبادی، شیرین (۱۳۷۸)، *نگاهی به مسایل حقوقی کودکان در ایران*، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات کانون.
۲۱. عزیزی، فریدون (۱۳۹۳)، رشد معنویت و دین در کودکان، *فصلنامه تاریخ پزشکی*، ۶(۲۱): ۱۴-۷.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶)، *الوافی*، جلد دوم، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، *فلسفه حقوق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی.
۲۴. کیان، مریم (۱۳۹۴)، تبیین ابعاد تربیت کودک در نظام خانواده از دیدگاه اسلام، *فصلنامه اخلاق*، ۵(۱۸): ۳۵-۹.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، جلد هفتاد و پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۶. محمودی، سید عبدالله و شمسی، محسن (۱۴۰۰)، سلامت کودکان بر مبنای آموزه های دین اسلام، *نشریه اسلام و سلامت*، ۶(۲): ۸۱-۶۹.
۲۷. مسعود، جبران (۱۳۸۱)، *فرهنگ الفبایی الرائد*، ترجمه رضا انزابی نژاد، جلد اول، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۸. مشایخ، مهسا، محسنی چلک، محمدحسین و صلاحی کجور، عظیم (۱۴۰۰)، چرایی عزت نفس در کودکان و نوجوانان و راه های تقویت آن، *مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۳۴): ۶۹-۵۸.
۲۹. نوروزی، مجتبی، کاظمی، ابوالفضل و شاهمرادی، سیده فاطمه (۱۳۹۶)، راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه های قرآن و سیره رضوی، *فصلنامه فرهنگ رضوی*، ۵(۱۹): ۲۱۱-۱۷۷.
۳۰. نیکزاد، عباس (۱۳۹۵)، عوامل و موانع سلامت روح از نگاه اسلام، *نشریه اسلام و سلامت*، ۲(۲): ۱۵-۷.



## The Position of the Right to the Child's Mental Health in the Teachings of Islamic Jurisprudence

**Jamal Beigi**

Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)

[jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir](mailto:jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir)

**Saman Esmailzadeh**

Master Student of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

[samanesmailzadeh9@gmail.com](mailto:samanesmailzadeh9@gmail.com)

### Abstract

**Background and Aim:** The right to health is one of the most fundamental human rights and every human being deserves the highest level of health. Religion and jurisprudence, as the source of human guidance, includes all the individual and social aspects of human life, the most important of which is the aspect of human physical and mental health. Therefore, the present study was conducted to examine the mental health of children based on the recommendations and teachings of Islamic jurisprudence.

**Methods:** This research has been written in a descriptive and analytical method using library resources, including referring to books, articles and searching in electronic resources and internet sites, which while explaining the role of religious teachings in the dimensions of human life and personality. It has investigated the methods of cultivating children's feelings and religious beliefs in order to promote their right to health.

**Findings:** Various factors play a role in ensuring the mental health of children and adolescents, the most important of which is the correct formation of the child's personality, and this personality itself originates from several factors such as good education, which good education can be influenced by religious beliefs. It exists because religious teachings have always led people towards moral principles and human values and supported their mental health.

**Conclusion:** The development of personality and the exaltation of religious inclinations of people starts from childhood and reaches its maximum during adolescence. During adolescence, in the light of religious inclinations and jurisprudence teachings, a person tries to reduce his inner discomforts and contradictions. Therefore, if in this era the family and the society strengthen the religious tendencies of the child with basic methods, they have taken an important step in correct education and as a result ensuring their mental health.

**Keywords:** The Right to Health, Education, Child, Islamic Jurisprudence, Mental Health